**ده، دهی، دهید...**

**صادقی، علی اشرف**

در شمارهء دهم‏سال بیست و ششم مجلهء یغما،ص 8-586 مقاله‏ای از آقای‏ جمشید سروشیار تحت عنوان«ده،دهی،دهید،دهاد،دهاده»چاپ شده است که‏ نویسنده در آن ضمن توضیح معنی کلمات فوق چنین اظهارنظر کرده که‏[این چند واژه...با( dahik )پهلوی که بمعنی آسیب،آزار،تاراج و ویرانی است همریشه‏ می‏باشد و شاید این همه با( dah )بمعنی گزیدن که در واژهء(اژی دهاک)یا«اژدها» آمده نیز بی‏ارتباط نباشد].در دنبالهء این مقاله،مقاله‏ای از آقای دکتر محسن‏ ابو القاسمی در مجلهء سخن،(بیست و سوم 2،ص 6-154)به چاپ رسیده که مؤلف‏ در آن نظر سروشیار را مبنی بر مرتبط بودن ده،دهی...با«دهیک»و اژی دهاک‏ مردود دانسته و در این‏باره به مقاله‏ای که هـ.و.بیلی در جلد ششم مجلهء BSOS (32-1930)نوشته استناد کرده است.وی سپس نوشته است که صورت‏های ده، دهی...از لهجه‏های شرقی ایران-که«زدن»را با فعلی از ریشهء da «دا»به‏ معنی«بریدن»بیان می‏کند-وارد فارسی شده است.

در این که در زبان‏های هندی و ایرانی یک ریشهء«دا»به معنی بریدن و قطع کردن وجود دارد و بعضی کلمات هند و ایرانی-منجمله داس و دهره در فارسی-از این ریشه گرفته شده تردیدی نیست.اما اینکه کلمات فارسی ده،دهی... که به معنی زدن بریدن به زدن و کشتن از نظر علم معنی‏شناسی بسختی قابل توجیه‏ است.